

بررسی رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم

پوهنمل محمد همایون بی‌ریا

دپارتمنت ادبیات نمایشی، پوهنځی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: h.beria2016@gmail.com

چکیده

رابطه میان هنر و ژورنالیزم یکی از مباحث مهم در حوزه مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای است. هدف از تحقیق و نوشتن این مقاله، بررسی تحقیق‌های انجام شده در مورد رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم است. در این مقاله وضاحت داده می‌شود، که فهم این موضوع برای هنرمندان تا چه اندازه مهم و مفید است. این مقاله در نتیجه‌ی مرور مقالات، کتاب‌ها و مجلات معتبر علمی و یافته‌های تحقیق تحریر شده است. مقاله از نظر شیوه، مروری بوده و به بررسی تعامل متقابل میان این دو عرصه می‌پردازد و نقش خلاقیت هنری در ارتقای کیفیت بیان ژورنالیستی و هم‌چنان تاثیر معیارهای واقع‌گرایانه‌ی ژورنالیزم بر صداقت و اصالت هنر را مورد واکاوی قرار می‌دهد. مطالعه‌ی آن برای هنرمندان کمک می‌کند تا از چه‌گونه‌گی رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم آگاه شوند و در آینده بتوانند با ژورنالیستان کارهای مشترک داشته و اثربخشی فعالیت‌های‌شان را بیش‌تر نموده و به مخاطبان‌شان بیفزایند.

واژه‌های کلیدی: اطلاعات؛ تلویزیون؛ رسانه؛ ژورنالیست؛ ژورنالیزم؛ هنرمند

The Relationship Between Art and Journalism

Mohammad Homayoon Beria

Department of Dramatic Literature, Faculty of Fine Arts, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: h.beria2016@gmail.com

Abstract

The relationship between art and journalism is considered an important topic in cultural and media studies. The purpose of conducting and writing this article is to examine the research carried out on the relationship between art and journalism. This article explains why understanding this subject is important and beneficial for artists. The article has been developed based on a review of scholarly articles, books, reputable academic journals, and research findings. Methodologically, the present study is a review focusing on the mutual interaction between these two fields. It also explores the role of artistic creativity in enhancing the quality of journalistic expression, as well as the impact of journalism's realist standards on the honesty and authenticity of art. Studying this article helps artists understand the nature of the relationship between art and journalism, enabling them to collaborate with journalists, increase the effectiveness of their activities, and expand their audiences.

Keywords Artist; Information; Television; Media; Journalist; Journalism

ارجاع: بی‌ریا، ه. (۱۴۰۵). بررسی رابطه هنر با ژورنالیزم. ژورنال علمی-تحقیقی علوم اجتماعی-پوهنتون کابل (۱۹).

<https://doi.org/10.62810/jss.v9i1.497> ۲۹۳-۳۱۰

مقدمه

چنانچه می‌دانیم، هنر همیشه یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های خلاقیت انسانی بوده است، اما در جهان امروز، حضور و تأثیر آن بدون پشتیبانی و بازتاب رسانه‌ای به سختی قابل تحقق است. رسانه‌ها به ویژه ژورنالیزم فرهنگی، بستر اصلی انتقال معنا و واسطه‌ی ارتباط میان هنرمند و مخاطب را فراهم می‌آورد. با توجه به گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و افزایش نقش افکار عمومی در شکل‌دهی ارزش‌های فرهنگی، درک رابطه‌ی متقابل میان هنر و ژورنالیزم برای هنرمندان، از اهمیت دوچندان برخوردار است. با این حال، بسیاری از هنرمندان به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، از درک عمیق این رابطه و ظرفیت‌های نهفته در آن بی‌بهره‌اند. این مقاله می‌کوشد تا ضمن تبیین ابعاد نظری این ارتباط، به فواید عملی و فرهنگی واقف‌شدن هنرمندان از رابطه‌ی کارشان با ژورنالیزم نیز بپردازد.

در جهان امروز، بیش‌تر از هر زمان دیگر، اهمیت و ارزش ارتباطات، اطلاع‌رسانی و فرستادن پیام‌های سودمند و روشن‌گری برای همه‌گان محسوس است، و می‌دانیم که پیش‌رفت زنده‌گی و ادامه‌ی آن بدون ارتباطات و اطلاعات، ناممکن یا لاقابل بسیار دشوار خواهد بود. چنانچه عصر حاضر را عصر اطلاعات نامیده‌اند. «اطلاع‌رسانی فراتر از یک حرفه، نوعی رسالت و گونه‌ای از هدایت است. رسانه در مفهوم اسلامی آن، وجدان بیدار جامعه‌ای است، که با ارزش‌های الهی و آرمان‌های انسانی پیوند دارد.» (محمد زاده، ص ۹۵) خوش‌بختانه، پیش‌رفت علم و تکنولوژی زمینه‌ی این‌گونه فعالیت‌های مهم انسانی را بسیار تسهیل کرده است. رادیو و تلویزیون از جمله‌ی مهم‌ترین و مؤثرترین وسیله‌ی ارتباط جمعی و تبلیغات است. شبکه‌های اجتماعی نیز به بخش جدایی‌ناپذیر از زنده‌گی روزمره تبدیل شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی به کاربران این امکان را مهیا می‌سازد، تا باهم در تماس بوده و اطلاعات را به سرعت باهم دیگرشان شریک سازند. وظیفه و رسالت هنرمند و ژورنالیست نیز همین است. رساندن اطلاعات دقیق و فرستادن پیام‌های انسانی به مردم. «ارتباط عبارت از عملی است، که طی آن یک یا چند نفر به تبادل خبر، اطلاع، نقطه نظرها، گرایش‌ها، و تجارب خود می‌پردازند.» (هاشمی، ۱۳۹۹، ص: ۱۱)

رابطه‌ی هنر و ژورنالیزم در «روزنامه‌نگاری» باهم پیوند می‌خورد که شاخه‌ی از ژورنالیزم برای پوشش و نقد هنر است. این رابطه، رابطه‌ی دو طرفه است. «هنر از طریق ژورنالیزم هنری به عنوان وسیله‌ای برای بیان مسایل اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کند، و ژورنالیزم به هنر کمک می‌کند تا به مخاطبان بیش‌تری دست یابد (کمالی، ۱۳۶۹، ص: ۲۱۱) تدریس چند مضمون به‌طور مشترک در پوهنحی‌های ژورنالیزم و هنرها، مانند فیلم‌نامه‌نویسی، طنزپردازی و فوتوگرافی موضوع دیگری است، که موجودیت

رابطه بین هنر و ژورنالیزم را نشان می‌دهد. در رسانه‌ها نیز دیده می‌شود، که هنرمندان و ژورنالیستان در کنارهم فعالیت دارند و هر کدام‌شان به طریق خویش به اطلاع‌رسانی و بیان حقایق می‌پردازند.

در مورد پیشینه‌ی این موضوع باید گفت، که هنر نسبت به ژورنالیزم سابقه‌ی بسیار طولانی‌تر دارد و به دوران ماقبل‌التاریخ بر می‌گردد. «زمانی که انسان‌های غارنشین نقاشی‌ها و حکاکی‌های ابتدایی بر دیوارها و صخره‌ها ایجاد می‌کردند. این هنر اولیه، با ظهور تمدن‌ها به سبک‌های مختلفی تکامل یافت». (تاریخ تیاتر جهان) و سرانجام هنرهای مختلفی پدید آمدند و به رشد و بالندگی رسیدند و تا امروز در کنار علم و ادبیات در خدمت بشر قرار دارند.

و اما پیشینه‌ی ژورنالیزم به دوران قدیم باز می‌گردد. «در جوامع اولیه که انسان‌ها در گروه‌های بسیار کوچک در کنارهم زنده گی می‌کردند، جز بیان شفاهی وسیله و روش دیگری برای ارتباط وجود نداشت. اما به تدریج زمانی که زنده‌گی وسعت پیدا می‌کند و فاصله‌ها بیش‌تر می‌شود، انسان‌هایی که دورتر از هم زنده‌گی می‌کنند، ناچاراند فریادها را بلندتر کنند و از جارچی‌ها کمک بگیرند، یا طبل را به صدا درآورند و یا از آتش، دود، علامات و نشانه‌ها و نماد‌های دیگر بهره‌برداری کنند». (هاشمی، ۱۳۹۹، ص: ۴) اما شکل مدرن آن با اختراع ماشین تایپ در قرن ۱۵ میلادی توسط «یوهانس گوتنبرگ» آلمانی آغاز گردید و به تدریج با پیش‌رفت فناوری از مطبوعات چاپی به رسانه‌های الکترونیکی و بعداً به فضای دیجیتال و اینترنت گسترش یافت، و اما در مورد رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم یا وجوه اشتراک و افتراق‌شان و نیز این‌که، دانستن این موضوع برای هنرمندان تا چه اندازه مهم است، هیچ تحقیقی صورت نگرفته است.

فهم این موضوع، که رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم چه‌طور و تا کدام حدود است، هم‌چنان دانستن وجوه اشتراک و افتراق میان هنر و ژورنالیزم، برای هنرمندان بسیار مهم تلقی می‌شود، زیرا در صورت آگاهی کامل از این موضوع، هنرمند و ژورنالیست می‌توانند باهم فعالیت‌های مشترک داشته و در نتیجه، کمیت، کیفیت و اثرگذاری کارشان را دوبرابر سازند و به مخاطبان‌شان بیفزایند و مصدر خدمات بیش‌تر به مردم شوند. به تعبیر دیگر، هرگاه هنرمند و ژورنالیست دست به دست‌هم دهند قوی‌تر می‌شوند. وقتی دو هنر کنارهم قرار بگیرند، به توان‌شان افزوده می‌شود و آنگاه می‌توانند با شریک ساختن مفکوره‌ها و طرح‌های‌شان موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را انعکاس دهند، اطلاع‌رسانی کنند و آن‌ها را بررسی و تحلیل نمایند.

امیدوارم تحقیق حاضر بتواند برای هنرمندان و ژورنالیستان سودمند تمام شود و ایشان بتوانند در روشنی این نوشتار به‌چندوچون رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم بهتر پی‌برده و در نتیجه بتوانند با شریک ساختن افکار

و طرح‌های‌شان با قوت و اثرگذاری بیش‌تر به بیان حقایق، اطلاع‌رسانی و روشن‌گری در اجتماع و جهان پردازند.

اهمیت تحقیق حاضر در این‌ست، که هنرمندان و ژورنالیستان از رابطه‌ی کارشان با هم‌دیگر به‌طور دقیق آگاه می‌شوند، و در روشنی این آگاهی می‌توانند فعالیت‌های مشترک داشته باشند. از جانب دیگر، مطالعه‌ی این موضوع می‌تواند به محصلان، پژوهش‌گران و فعالان رسانه‌ای کمک کند، تا نقش هنر را در تقویت پیام‌های رسانه‌ای به‌تر درک کنند و از آن در راستای توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی استفاده نمایند.

اهداف تحقیق

۱. بیان رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم.
۲. آگاه‌ساختن هنرمندان از ارتباط کارشان با ژورنالیزم و مفاد حاصل از این آگاهی

روش تحقیق

این تحقیق به روش مروری انجام شده است. براساس این روش، محقق از حدود ۴۴ عنوان کتاب و مقاله‌ی مرتبط با موضوع، با استفاده از معیارهای مشخص، ۲۰ منبع معتبر را انتخاب و تحلیل نموده است. منابع، شامل کتاب‌ها و مقالات هنری، فرهنگی، علمی و ژورنالیستی می‌باشد. در این تحقیق، نظریات و گفته‌های نویسندگان و محققان را در ارتباط به موضوع تحقیق (رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم) با دقت مطالعه نموده‌ام، نظریات و عقاید خود را نیز بیان کرده و همه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با هم‌دیگر مقایسه و نتیجه‌گیری نموده‌ام.

یافته‌ها

این تحقیق نشان داد، که هنر و ژورنالیزم دارای مشترکات فراوان اند و می‌توانند هم‌دیگر را کمک و تقویت نمایند. یافته‌ی دیگر این‌ست، که ارتباط هنرمندان با رسانه‌ها، برای مؤفقیت و رشد هنرشان بسیار سودمند است. از یافته‌های مهم دیگر این‌که، ژورنالیزم هنر، شاخه‌ی تلفیقی و تخصصی انشعاب‌کرده از دنیای هنر و ژورنالیزم است، که با بهره‌مندی از توانایی‌های نوین ژورنالیزم، هنر، هنرمند و آثار هنری را تماشا، واکاوی، نقد، تحلیل و بسته می‌کند.

رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم

چنانچه تذکر داده شد، رابطه میان هنر و ژورنالیزم از دیرزمانی است که یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای بوده است. مطالعه و تجربه‌ی شخصی این جانب، از چندین دهه کار و فعالیت در رسانه‌های ملی و بین‌المللی در بخش‌های مختلف هنری و فرهنگی، نشان دهنده‌ی این بود، که هنر و ژورنالیزم باهم ارتباط نزدیک دارند و هردو برای اطلاع‌رسانی، بیان حقایق و امور دیگر، هم از طریق رسانه‌های جمعی و گروهی و هم به روش‌های دیگر در خدمت بشر قرار دارند. اما تفاوت‌هایی در نحوه‌ی کارشان وجود دارد که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

بهرتر خواهد بود، تا بحث و گفتمان را در این مورد، از چند تعریفی در مورد هنر و ژورنالیزم آغاز نماییم. تولستوی هنر را چنین تعریف می‌کند: «هنر انتقال عواطف و احساسات هنرمند به دیگران است. به گونه‌ی مثال: مردی می‌خندد، از خنده‌ی او مرد دیگری احساس شادمانی می‌کند، او می‌گرید، آن کس که صدای گریه‌اش را می‌شنود، احساس اندوه می‌کند، او دچار ناراحتی و خشم می‌شود، دیگری که بدو می‌نگرد دچار همان حالت می‌گردد». (لئون، ۱۳۹۱، ص: ۵۵) یک ژورنالیست نیز همین کار را انجام می‌دهد. یعنی زمانی که از جریان یک جنگ گزارش تهیه می‌کند، هرچند که در آن گزارش اجازه ندارد چیزی را کم و بیش کند، اما می‌تواند احساساتش را به بیننده‌ها انتقال دهد، در صورتی که این احساسات باید متناسب با احساسات اکثریت، رویه‌ها، فرهنگ و منافع آن کشور باشد.

در یکی از تعریف‌های دیگر، هنر چنین گفته شده است: هنر عبارت از ایجاد هم‌بستگی و محبت میان انسان‌هاست. بلی! در اصل تمام فعالیت‌های هنری یک هنرمند به خاطر ایجاد هم‌بستگی، دوستی و تعاون با هم‌دیگر است. ترانه‌خوان برای دوستی، وحدت و یک‌پارچه‌گی مردمش ترانه می‌خواند. هنرمند تئاتر از طریق نمایش، مردم را به اتفاق، اتحاد و یاری‌رساندن به یک‌دیگر و ترویج حق و عدالت دعوت می‌کند. نقاش توسط نقاشی‌هایش پیام هم‌دستی و هم‌دلی را به مردم می‌رساند. سینماگر به نوبه‌ی خود، فیلم می‌سازد و با پخش و نشر آن نتیجه‌ی مرگ‌بار آشوب، فتنه و نفاق را به نمایش می‌گذارد، و بدین ترتیب از عدم موجودیت برادری و برابری و عدالت به مردم هشدار می‌دهد. درست چیزی که یک ژورنالیست با مقداری تفاوت در کارش انجام می‌دهد. در یکی از تعریف‌های ژورنالیزم چنین گفته شده است: «ژورنالیزم شاخه‌ای از علوم اجتماعی است، که هدف آن اطلاع‌رسانی و بیان حقایق از طریق وسایل ارتباط جمعی است» (شهزادی، ۱۳۶۵، ص: ۲۱۲) در این تعریف بازهم دیده می‌شود، که اطلاع‌رسانی و بیان حقایق به مردم نیز به هدف هم‌بستگی و محبت با مردم است، که

ژورنالیست می‌خواهد آنان را از قضایا، حوادث و رخداد‌های مهم باخبر سازد، تا ایشان در روشنی این اطلاعات، بتوانند مسیر زندگی‌شان را تعیین نمایند یا آن را تغییر دهند و تصامیم بعدی‌شان را بگیرند. مانند این‌ها، تعریف‌های فراوانی از هنر و ژورنالیزم وجود دارد، که نشان می‌دهد اهداف هنر و ژورنالیزم بسیار نزدیک به هم‌اند. همان‌گونه که خبرنگاری یا ژورنالیزم در حقیقت ابزار مؤثر برای ساختن یک جامعه‌ی سالم و آگاه است، هنر نیز وسیله‌ای است برای اطلاع‌رسانی، آگاهی، بیداری، روشن‌گری و ترویج برابری، انصاف و عدالت. اما نحوه‌ی کارشان از هم‌دیگر مجزا و متفاوت است. ولی با وجود تفاوت در نحوه‌ی بیان‌شان، چنانچه قبلاً هم گفتیم، در یک نقطه‌ی مشترک تلاقی می‌یابند، که همانا بازنمایی واقعیت و تاثیرگذاری بر مخاطب است. یعنی هنر با استفاده از زبان کنایه، استعاره و خیال‌پردازی و زیباشناسی به بیان حقایق و بازآفرینی موضوعات می‌پردازد، و اما ژورنالیزم با تکیه بر واقع‌گرایی، مستندسازی و اطلاع‌رسانی، حقیقت را به شکل مستقیم به مخاطبان عرضه می‌کند. با این حال، در دنیای معاصر که مرز میان واقعیت و بازنمایی روزبه‌روز مبهم‌تر می‌شود، این دو حوضه بیش از پیش به هم نزدیک شده‌اند. گزارش‌های تصویری، روایت‌های مستند، طراحی‌گرافیکی در مطبوعات و روزنامه‌نگاری ادبی نمونه‌هایی از پیوندها میان هنر و ژورنالیزم هستند، که به خلق فرم‌های نوین ارتباطی انجامیده‌اند. در جای دیگری گفته شده است: «ژورنالیزم هنر رسانه‌ای است و یک ژورنالیست به معنای واقعی کلمه یک هنرمند تمام‌عیار است». (دیوید، ۱۳۷۲، ص ۲۲۲)

هدف ژورنالیزم ایجاد نظام مردم‌سارلاری از طریق پخش اطلاعات دقیق و رساندن پیام‌های گوناگون است. مثلاً میلیون‌ها نفر با بهره‌گیری از جریان اطلاعات آزاد در پدیدآوردن یک حکومت و زمامدار جدید برای اداره و زنده‌گی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان، به‌طور مستقیم شرکت می‌کنند. مقصد ژورنالیزم ارایه‌ی اطلاعات و معلومات به شهروندان است، و سرانجام، هدف اصلی و اساسی آن بازگ کردن حقیقت به مردم است، تا آن‌ها اطلاعاتی را که برای حاکمیت و مشارکت در قدرت به آن نیاز دارند در اختیار داشته باشند. درست، هدف هنر و هنرمند نیز چنین است. آنان نیز برای روی‌کارآمدن یک نظام مردم‌سالار و پدیدآوردن یک حکومت و زمامدار صادق و عادل از طریق هنرشان، یعنی تهیه و اجرای نمایش‌های تئاتری، تهیه و پخش فیلم‌ها، رادیودرام‌ها و مانند این‌ها، برای مردم اطلاع‌رسانی می‌کنند، معلومات می‌دهند و راه‌نمایی می‌کنند. چنانچه گفته‌اند «خبرنگاران مانند انسان‌های شکارچی، چشم باز و گوش به آواز، در تلاش جمع‌آوری خبر و اطلاعات به رسانه و از آن طریق به مخاطبان می‌باشند». (قاسمی، ۱۳۶۳، ص ۶۵) هنرمندان نیز همین‌گونه عمل می‌کنند و برای یافتن موضوعات گوناگون به هر چیزی دقیق می‌شوند و به چه‌گونه‌گی هر رخداد یا حادثه‌ی

کنج‌کاو می‌شوند تا بتوانند در آن‌مورد نمایش‌نامه‌ی تهیه‌کنند یا فیلمی بسازند و یا هم داستانی بنویسند. نقاش، درامه‌نویس، فیلم‌ساز، طنزپرداز و همه‌مانند یک خبرنگار در پی یافتن سوژه هستند. همان‌طور که یک خبرنگار یا ژورنالیست می‌خواهد سوژه‌ی گزارش او باید نو و بکر باشد، تا مورد توجه مخاطبان قرار گیرد و نیازشان را مرفوع سازد، یک هنرمند (داستان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس، نقاش) نیز در تلاش یافتن سوژه‌های جالب، جدید و موردنیاز مردم است، تا بتواند اثرش مورد توجه و دقت تماشاچیان یا خواننده‌گان قرار گیرد و پیام مهمی را به آن‌ها منتقل سازد. به همین‌گونه، داشتن نوعی سناریو برای یک خبرنگار که می‌تواند گزارش را از جذابیت، قدرت تاثیرگذاری و توان ارتباط بیش‌تر برخوردار کند و با ایجاد گره و پرسش در ذهن مخاطب، او را به ادامه‌ی ارتباط با گزارش تشویق کند و کشش لازم را در ذهن و فکر او ایجاد و تقویت کند، یک درامه‌نویس و داستان‌نویس نیز به چنین کاری ضرورت دارد. او می‌خواهد با ایجاد گره‌ها، تعلیق‌ها و پرسش‌ها، نمایش یا داستانش را جالب سازد و بدین‌ترتیب، که بعداً چه خواهد شد و چه اتفاق تازه‌ای روی خواهد داد، تماشاچیان یا خواننده‌گان را به تعقیب درامه یا داستان وادار می‌سازد.

ضرورت زبان مناسب با سوژه، نیز یکی از مسایل مشترک میان هنرمند و ژورنالیست است. «زبان گزارش به تناسب موضوع و مخاطب، باید از انعطاف لازم برخوردار باشد، اما در هر حال، این زبان باید غیر مصنوعی، صریح، گویا و قابل فهم باشد، زبان گزارش زبان تزئینی و تشریفاتی نیست». (حیدری، ۱۳۹۷، ص ۳۷) یک نمایش‌نامه‌نویس نیز دیالوگ‌ها یا گفت‌وگوهای نمایش‌نامه‌اش را با همین شرایط می‌نویسد، تا برای عموم کسانی که نمایش را تماشا می‌کنند قابل فهم و درک باشد. «زبان محاوره یا گفتاری قادر است، که به داستان جان بدهد. قادر است تا یک قصه‌ی ساده و معمولی را به یک درام عالی تبدیل نماید. زبان روزمره و محاوره مثل خود داستان طبیعی است و می‌توان آن را خوب حس کرد. این زبان به نویسنده اجازه می‌دهد که از اصطلاحات آشنا استفاده کند. ولی اگر کلمات و عبارات ناآشنا باشند و جاکزین مؤثرهم برای آن‌ها پیدا نشود، چه خواهد شد. (نوبل، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶) هم‌چنان در مورد استفاده‌ی مناسب از صدای صحنه توسط یک ژورنالیست گفته شده است، که صدای صحنه موضوع را در ذهن مخاطب، عینی‌تر، واقعی‌تر و باورپذیرتر می‌کند و در انتقال حس محیط قدرت کم‌نظیری دارد، یعنی اگر صداها را محیطی را قطع کنیم، ما از عینیت و واقعیت‌نمایی در گزارش فاصله گرفته‌ایم. یک هنرمند نیز در حین اجرای یک نمایش، برای درک بهتر تماشاچی از فضای کلی و عمومی و القای مفاهیم، از صداها کمک می‌گیرد. هنگام تماشای یک ویدیو یا نمایش روی صحنه، گوش دادن به صداها، مختلف، این عناصر نشانه و اطلاعات مهمی را ارائه می‌دهند، که جنبه‌های

بصری را تکمیل تر می‌کند. صداها به تنظیم حالت، انتقال احساسات و ارایه‌ی زمینه‌ی اضافی برای آنچه روی صفحه یا ستیز نمایش داده می‌شود کمک می‌کند.

گذشته از آنچه که تا کنون گفته‌ام، هنر و ژورنالیزم در راه‌نمایی و رهبری نیز به طور مشترک، ولی با تفاوت‌های کمابیش عمل می‌کنند. نقش رهبری‌کننده و سایل ارتباط جمعی و هم‌چنان اثرگذاری و مفاد آن برای مخاطبین بر همه‌گان محسوس و روشن است. مطبوعات و رسانه‌ها از دیرزمان در مبارزات آزادی‌خواهی ملل جهان تأثیر بسیار مثبت داشته است. رسانه‌های صوتی و تصویری و چاپی این توان‌مندی را دارند، تا با پخش تصاویر متحرک و با اصوات دل‌نشین و پرتحرک و با واژه‌ها و کلمات شورآفرین خود، افراد جامعه را به جهات مثبت یا منفی، سازمان‌دهی و سوق دهند. هنرمندان نیز چنین عمل می‌کنند. ایشان با فرآورده‌های هنری‌شان موضوعات مختلف و گونه‌گون زنده‌گی مردم را انعکاس می‌دهند. فیلم‌های فراوانی ساخته شده و وجود دارند، که مردم را برای استقلال‌خواهی، آزادمندی، ترویج عدالت و مساوات و صداها و هزاران موضوع مهم دیگر تشویق، ترغیب و راه‌نمایی می‌کند. دیالوگ‌ها و گفت‌وگوهای آثار نمایشی «نمایش‌نامه و فیلم‌نامه» بسیار ویژه و اثرگذاراند. زیرا درامه‌نویس کوشش می‌کند گفت‌وگوهای بنویسد، که جادو کند و مخاطبین را تحت تأثیر قرار دهد. حتا ابزار کار ژورنالیستان و هنرمندان تقریباً یکی است. متن، قلم، کامپیوتر، تلفون‌همراه، مایک، دوربین، ضبط‌صوت و انترنت پرقدرت، همه‌وهمه از جمله‌ی ابزار مشترک میان هنرمندان و ژورنالیستان است. ژورنالیست متعهد و حرفه‌ای مسؤولیت بزرگ اجتماعی را به عهده دارد، یک هنرمند نیز در برابر مردمش بیش‌تر از دیگران مسؤولیت دارد. هرچند که تمام انسان‌ها در برابر هم‌نوعش عهده‌دار اند، اما مسؤولیت هنرمند و خبرنگار نسبت به همه مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر است. بدین معنا، که انجینیر، داکتر، مهندس، مغازه‌دار، معلم و استاد و مانند این‌ها، با تعدادی از مردم در رابطه و تماس هستند، اما هنرمند و ژورنالیست تقریباً با عموم مردم و با کل جهان در رابطه و تماس‌اند، و به همین سبب، ارزش کارشان نیز نسبت به افراد متخصص دیگر، بیش‌تر است.

موضوع دیگر این‌که، هرچند هنرمندان و ژورنالیستان برای بیان موضوعات و رساندن اطلاعات برای مخاطبین از رسانه‌های گوناگون، مانند روزنامه‌ها، مجلات چاپی و آنالاین، تلویزیون، رادیو، بیلبوردها، تیلیفن و انترنت استفاده می‌کنند، اما مهم‌ترین، رایج‌ترین و سودمندترین وسیله‌ای که به‌طور مشترک مورد استفاده هنرمندان و ژورنالیستان قرار گرفته است، رادیو و به‌ویژه تلویزیون است. سودمندی و اثربخشی رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون به حدی است، که گذشته از موضوعات هنری و ژورنالیستی، حتا در سیاست و دیپلوماسی نیز یکی از ابزار مهم و حیاتی به شمار می‌رود. قسمی‌که گفته شده است،

عمل‌کرد دیپلوماسی عمومی به گونه‌ای است، که دولت‌ها نیازمند ایجاد شبکه‌ی ارتباطات حرفه‌ای و گسترده‌ی هستند. پیامی که این شبکه به مخاطب خارجی می‌رساند، نشان دهنده‌ی هویت و طرز فکر عامه‌ی مردم یک کشور است. «بهره‌گیری از رسانه‌ی کارآمد در بحث دیپلوماسی عمومی، بسیار با اهمیت است. رسانه‌ها با قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای خود در جوامع گوناگون، قادرند تصویر مثبت یا منفی از یک کشور در جهان خلق کنند» (قیومی، ۱۳۹۰، ص ۷۴۷۳) رادیو و تلویزیون بیش‌ترین مورد استفاده برای هنرمندان و خبرنگاران را دارد. زیرا تلویزیون نظر به توان و قدرتی که در پخش و انتشار پیام‌ها و اطلاعات دارد، هم سبب تسهیل کار خبرنگاران می‌شود و از جانب دیگر، زمینه‌ی بسیار خوبی برای ارتباط هنرمندان با مردم و منعکس‌کننده‌ی فعالیت‌های‌شان و نمایش‌گاه آثار هنری‌شان است. «دست‌آوردهای تعیین‌کننده در تکنولوژی، پخش تلویزیونی از قبیل اسکن الکترونیکی در دهه‌ی ۱۹۲۰ حاصل شد و نخستین تجربیات در عرصه‌ی پخش عمومی در دهه‌ی ۱۹۳۰ تحقق پیدا کرد. تلویزیون در دوران پس از جنگ به سرعت در جهت کسب غالب سرگرمی‌های مردم‌پسند بدل شد» (ادگار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴)

قابل ذکر است که رادیو هم‌چنان یکی از رسانه‌هایی است، که هنرمندان و ژورنالیستان از آن به طور مشترک استفاده می‌کنند. فقط تفاوت بزرگ آن با تلویزیون در این است، که رادیو رسانه‌ی صوتی است، اما تلویزیون رسانه‌ی تصویری. لذا واضح است که تلویزیون نسبت به رادیو، هم برای هنرمندان و هم برای خبرنگاران سودمندتر و اثرگذارتر است. قابل ذکر است، مزیت رادیو نسبت به تلویزیون در این است، که تهیه برنامه‌های مختلف، از جمله برنامه‌های هنری در رادیو سهل‌تر است، و نیز به زمان کمتری نیاز است، و هم از لحاظ اقتصادی نسبت به تلویزیون هزینه‌ی کمتری دارد. به همین گونه دسترسی به رادیو نسبت به تلویزیون در هر زمان و مکانی سهل‌تر است. به همین دلیل با وجود همه امتیازات و رونقی که تلویزیون در جهان دارد، اما رادیو نیز در جایش خودش محکم و استوار ایستاده و هم‌چنان به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد و نهادهای رسانه‌ای بزرگی مانند «بی‌بی‌سی» «ان‌بی‌سی» و «سی‌بی‌اس» در جهان وجود داشته و تاکنون فعالیت دارند. «پیش‌گامان رادیو، هنرمندان را از تالارهای موسیقی، و ایده‌ها را از روزنامه‌ها می‌گرفتند، اما عمدتاً همان‌طور که پیش می‌رفتند، ایده‌ها و هنرمندانی در رادیو ظهور و بروز پیدا کردند» (پری، ۱۳۹۴، ص ۴۰۹) و بدین‌گونه دیده می‌شود، که هنر با ژورنالیزم ارتباط تنگاتنگ داشته و اهداف‌شان مشترک است، اما شیوه‌ی کارشان متفاوت از هم‌دیگر.

ژورنالیزم هنری

موضوع دیگری که ارتباط هنر با ژورنالیزم را به طور کاملاً واضح ثابت می‌سازد ژورنالیزم هنری است. ژورنالیزم هنری به شاخه‌ای از روزنامه‌نگاری اطلاق می‌شود، که وظیفه‌اش بررسی، نقد، معرفی و تحلیل هنرهای مختلف است. «خبرنگاری هنری به فعالیتی گفته می‌شود که در آن یک خبرنگار به پوشش اخبار و روی داده‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد، که شامل گزارش‌های خبری، مصاحبه‌ها، نقد و بررسی فعالیت‌های هنری و فرهنگی است». (ادگار، ۱۳۸۰، ص ۶۶)

ژورنالیزم هنر، در حقیقت هم‌کاری و هم‌سویی با هنر است، و طوری که بعداً خواهیم دید، می‌خواهد هنر را تقویه و تزئید نماید. ژورنالیزم هنر شاخه‌ای تلفیقی و تخصصی انشعاب‌کرده از دنیای هنر و دنیای ژورنالیزم است. شاخه‌ای که با بهره‌مندی از توانایی‌های نوین ژورنالیزم به سمت هنر می‌آید و با این روش، هنر، هنرمند و آثار هنری را تماشا، واکاوی، نقد، تحلیل و دسته‌بندی می‌کند، هم‌چنان در باره‌ی‌شان صحبت می‌نماید، از آن‌ها حمایت و محافظت می‌کند و آن‌ها را برای انواع مخاطبان دست‌رس‌پذیر می‌سازد. این شیوه گاهی می‌تواند از طریق متن و گاه از طریق تصویر، صدا، نمایش و حتا تصاویر متحرک و پیش‌رفته باشد و خود تبدیل به اثر هنری جدید شود.

ژورنالیزم هنری وظایف زیادی را در بخش هنرها به عهده دارد، چنانچه گفتیم، گزارش و نقد آثار هنری در زمینه‌های مختلف، مانند هنرهای تجسمی، فیلم‌نامه، نمایش‌نامه، ادبیات، ترانه و تیاتر. هم‌چنان پوشش روی داده‌های هنری، مانند گزارش در مورد نمایش‌گاه‌ها، اجراها، کنسرت‌ها، گردهمایی‌ها و سایر روی داده‌های هنری. مصاحبه با هنرمندان، گفت‌وگو با ایشان به منظور معرفی بهتر آنان و درک عمیق‌تر آثار هنری‌شان به مخاطبان بیش‌تر. به همین‌گونه، ژورنالیزم هنری وظیفه‌ی مستندسازی تاریخ هنر معاصر را بر عهده دارد و به جامعه کمک می‌کند تا مسیر رشد هنر را دنبال نماید. در کنار این‌ها، وظیفه‌ی دیگرش این است، که محتوای ارزش‌مندی برای محققان، دانش‌جویان و علاقه‌مندان به تاریخ هنر ایجاد می‌کند.

قابل ذکر است که هنر به عنوان ابزار ژورنالیستی، می‌تواند ابزار قدرت‌مند برای بیان اعتراض‌های نقد اجتماعی و معرفی فرهنگ‌های مختلف نیز تبدیل گردد. هنر می‌تواند ابزار قدرت‌مند برای برجسته‌کردن آثاری که به مسایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد، آگاهی جامعه را افزایش دهد.

به همین شکل یک درامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و سایر هنرمندان نیز می‌توانند در آثارشان فعالیت‌های ژورنالیزم و ژورنالیست‌ها را منعکس و مردم را بیش‌تر از پیش به اهمیت ژورنالیزم و خبرنگاران آگاه

سازند. آنان می‌توانند ارزش کار یک خبرنگار را با درک مشکلات و خطرهایی که به دلایل گوناگون، به ویژه دلایل سیاسی و نظامی متوجه ایشان است، در آثار هنری‌شان بیان نمایند. به گونه‌ی مثال، بسیاری از خبرنگاران به سبب تهیه‌ی گزارش و بیان واقعیت‌ها به مردم، گاهی در میدان‌های جنگ حضور یافته‌اند و گاهی هم از جانب تعدادی از افراد و جناح‌های سیاسی تحت فشار قرار گرفته و در مواردی هم، اختطاریه و هشدارهایی دریافت کرده‌اند، اما آنان با درک مسؤولیت و تعهدی که نسبت به مردم و وظیفه‌ی‌شان داشته‌اند، به کارشان ادامه داده و سرانجام، جان‌های‌شان را از دست داده‌اند. حالا هنرمندان که در حقیقت همراه و هم‌مسلك ژورنالیستان هستند، می‌توانند رسالت‌شان را در برابر خبرنگاری که جان‌ش را به خاطر رساندن اطلاعات و بیان حقایق به مردم از دست داده است، نمایش‌نامه‌ی برای اجرا به روی صحنه یا فیلمی برای تماشا روی پرده‌ی سینما تهیه نماید و بدین‌گونه رسالتش را در برابر هم‌مسلك‌اش ادا نماید، و این جاست، که کار مشترک، همدردی و همکاری میان هنرمند و ژورنالیست را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

مفاد واقف‌شدن هنرمند، از رابطه‌ی هنر با ژورنالیزم

در دنیای امروز مرز میان هنر و رسانه بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک شده است. ژورنالیزم نه تنها ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه پلی میان هنرمند و جامعه محسوب می‌شود. آگاهی هنرمندان از چه‌گونه‌گی ارتباط کارشان با ژورنالیزم، می‌تواند نقش تعیین‌کننده در رشد حرفه‌ای، تثبیت جایگاه اجتماعی و اثرگذاری فرهنگی داشته باشد.

در قدم نخست، رابطه‌ی آگاهانه با ژورنالیزم به هنرمند امکان می‌دهد، تا پیام و فلسفه‌ی آثارش را به درستی منتقل کند. بسیاری از برداشت‌های سوء یا نادیده‌گرفته‌شدن آثار هنری، از نبود ارتباط مؤثر با رسانه‌ها ناشی می‌شود. هنرمندی که می‌داند چه‌گونه با خبرنگاران، منتقدان و رسانه‌ها تعامل کند، می‌تواند روایت خود را هدایت کرده و از تحریف و یا سطحی‌نگری در بازتاب کارش جلوگیری نماید.

در قدم دوم، شناخت از ژورنالیزم به هنرمند کمک می‌کند، بازار فرهنگی و فضای عمومی را بهتر درک نماید. رسانه‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی سلیقه‌ی عمومی‌اند، بلکه در شکل‌گیری آن نیز نقش دارند. «از پیدایش تصویرهای متحرک و عرضه‌ی آن بیش از ۱۱۰ سال می‌گذرد. مردم جهان در سده‌ی بیستم میلادی رفته‌رفته به تصویر متحرک عادت کردند و پس از رونق سینما و پدیدآمدن تلویزیون و تثبیت موقعیت آن در خانه، این پدیده در ردیف میراث فرهنگی نوین بشر قرار گرفت و به بخش تفکیک‌ناپذیر زنده‌گی نسل امروز تبدیل شد.» (رسولی چیدری، ۱۳۸۸، ص ۱) هنرمندی که با این جریان آشناست، می‌تواند زمان مناسب برای ارایه‌ی آثارش، نحوه‌ی معرفی آن‌ها و زبان مؤثر برای

ارتباط با مخاطب را هوشمندانه‌تر انتخاب نماید. «اما از نظر نویسنده‌ی تلویزیونی، جلب و حفظ توجه تماشاگر تلویزیونی، مهم‌تر و دشوارتر از مورد تیاتر است. می‌دانیم که بیننده‌ی تلویزیون به چه راحتی می‌تواند تلویزیون را خاموش کرده یا کانال آن را عوض کند، در آن صورت می‌فهمیم که چه‌گونه شمار بینندگان یک برنامه می‌تواند اُفت کند و اُفت، توجه به معنای چه پی‌آمدهایی است». (برنر، ۱۳۹۳، ص ۹۵) می‌خواهم در این زمینه مثال جامع و ارزنده‌ی را از تجربه‌ی شخصی خودم از کار و فعالیت در رسانه‌ها اِزار نمایم، که بدون شک برای خواننده‌گان خالی از مفاد و جالبیت نه‌خواهد بود. بنده جدا از وظیفه و مسؤولیت استادی در پوهنجی هنرهای پوهنتون کابل، تقریباً به مدت سه دهه در رسانه‌های صوتی و تصویری ملی و بین‌المللی، مانند رادیو تلویزیون جهانی افغانستان، رادیوی جهانی بی‌بی‌سی، رادیو تلویزیون جهانی آریانا و سایر رسانه‌ها به حیث درامه‌نویس، طنزپرداز، اکتور و گوینده هم‌کاری داشته‌ام. با اطمینان کامل می‌توانم بگویم، یکی از دلایل بزرگی که موجب شهرت، محبوبیت و موفقیت‌های زیاد من در بخش هنر، به‌ویژه هنر طنزپردازی و درامه نویسی‌گردید، همانا شناخت رسانه‌ها، هم‌کاری با آن‌ها و ارتباط با خبرنگاران، ژورنالیستان و سایر دست‌اندرکاران رسانه بوده است. دلیل این موضوع روشن است، همکاری و ارتباط من با رسانه‌ها باعث گردید، تا فعالیت‌ها و آثار هنری من بهتر و بیش‌تر از هر زمان دیگر، در داخل و خارج از کشور، در معرض دید مردم قرار گیرد و تماس، تشویق، نقد و راه‌نمایی ایشان سبب ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های هنری من گردید. این یک واقعیت مسلم است که در عصر حاضر، مردم نسبت به تیاتر و سینما، بیش‌تر تلویزیون تماشا می‌کنند و هر کدام برنامه‌ی دل‌خواه خودش را تعقیب می‌کند. در رسانه‌های تصویری بسیاری از برنامه‌ها ویژه‌ی هنرمندان است، که در آن برنامه هنرمند و آثارش به معرفی گرفته می‌شود، و لذا این موضوع سبب می‌گردد تا هنرمندان و آثار هنری‌شان بهتر و سریع‌تر به مردم و علاقه‌مندان‌شان معرفی شوند و در نتیجه سبب رشد هنرشان گردد. «افراد مختلف به دلایل متفاوتی برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کنند و قراءت‌های متفاوتی از آن برنامه‌ها به عمل می‌آورند. بخش بزرگی از آنچه این افراد راجع به تلویزیون می‌گویند، حاصل اندیشه‌ها و عقایدی است، که پیش از تماشای هر برنامه دارند و به آن اعمال می‌کنند». (استوری، ۱۳۸۹، ص ۵۱)

در قدم سوم، این آگاهی موجب می‌شود هنرمندان از رسانه‌ها بهره‌برداری مثبت و حرفه‌ای داشته باشند، مثلاً در ترویج ارزش‌های فرهنگی، حمایت از هنرمستقل، یا نقد سازنده‌ی وضعیت هنر در جامعه. در این صورت، ژورنالیزم هم پیمان هنرمند در راه گسترش اندیشه و زیبایی خواهد بود.

سرانجام، هنرمند آگاه به نقش رسانه‌ها، می‌تواند حضور خود را از سطح شخصی و محلی به سطح ملی و بین‌المللی ارتقا دهد. در عصر اطلاعات، دیده‌شدن، و درست دیده‌شدن، بخشی از موفقیت هنر و هنرمند است. در جهان امروز که ارتباطات گروهی و رسانه‌ها در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی مردم جهان از جایگاه مهمی برخوردار است، درک و شناخت هنرمندان از ماهیت و کارکرد ژورنالیزم، یک موضوع مهم، ضروری و راه‌بردی محسوب می‌شود. ژورنالیزم به منزله‌ی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال معنا، بستر اصلی بازنمایی آثار هنری و شکل دهنده‌ی افکار عمومی در عرصه‌ی فرهنگ است. از این رو، آگاهی هنرمند از چه‌گونه‌گی ارتباط میان فعالیت هنری و نظام رسانه‌ای، می‌تواند پیامدهای مثبت و چندسویه‌ای در ابعاد حرفه‌ای، فرهنگی و اجتماعی برای او به همراه داشته باشد. آگاهی هنرمند از رابطه‌ی کارش با ژورنالیزم، سبب ارتقای سواد رسانه‌ای و ارتباطی وی می‌گردد. در نتیجه، هنرمند قادر خواهد بود به صورت هدف‌مند، پیام، دیدگاه و ارزش‌های هنری خود را به مخاطبان منتقل کند و از تحریف یا تقلیل مفاهیم آثارش در فرآیند بازتاب رسانه‌ای پیش‌گیری نماید. این امر به تبیین درست هویت هنرمند و تثبیت جایگاه فرهنگی او در جامعه یاری می‌رساند. به همین‌گونه، شناخت هنرمند از سازوکارهای رسانه‌ای، او را به درک دقیق‌تر از نظام تولید و توزیع معنا در جامعه رهنمون می‌سازد. ژورنالیزم نه تنها بازتاب دهنده‌ی گرایش‌ها و نیازهای فرهنگی است، بلکه خود به عنوان یک عامل فعال در شکل‌گیری گفتمان‌های هنری عمل می‌کند. هنرمندی که به این پیوند آگاه است، می‌تواند با درک حساسیت‌های زمانی و اجتماعی، نحوه‌ی ارایه‌ی آثار خویش را متناسب با شرایط رسانه‌ای تنظیم کرده و از فرصت‌های ارتباطی برای گسترش دامنه‌ی تاثیرگذاری هنر خود بهره‌گیرد. و سرانجام، این آگاهی زمینه‌ی شکل‌گیری نوعی تعامل دوسویه و سازنده میان هنرمند و نهاد رسانه را فراهم می‌آورد، تعاملی که در آن، ژورنالیزم نه صرفاً به عنوان گزارش‌گر، بلکه به مثابه‌ی شریک فرهنگی و پشتیبان فرآیند آفرینش هنری تلقی می‌شود. چنین روی‌کردی می‌تواند به توسعه‌ی گفتمان‌های فرهنگی مستقل، تقویت نقد هنری و ترویج ارزش‌های زیباشناختی در جامعه یاری رساند.

در نهایت، واقف‌بودن هنرمندان از نسبت میان کارشان با ژورنالیزم، آنان را قادر می‌سازد تا در عرصه‌های ملی و بین‌المللی حضور فعال‌تر و اثربخش‌تر داشته باشند. در دوران جهانی‌شدن اطلاعات، فهم منطق رسانه‌ای شرط ضروری برای استمرار حیات هنری و ارتباط مؤثر با افکار عمومی است. بدین ترتیب، رابطه‌ی آگاهانه‌ی هنر با ژورنالیزم، نه تنها در معرفی آثار هنری قرار می‌گیرد، بلکه به مثابه‌ی عامل بنیادین در پویایی فرهنگی جامعه عمل می‌کند.

مناقشه

گفته می‌شود، با آن که پیوند میان هنر و ژورنالیزم هم‌واره به عنوان فرصتی برای تقویت بیان، خلاقیت و تاثیرگذاری اجتماعی مطرح شده است، اما این رابطه خالی از مناقشه نیست. مثلاً، «یکی از چالش‌های اصلی، مرزبندی میان بیان هنری و بی‌طرفی ژورنالیزم است. هنر به طور طبیعی گرایش به تفسیر، احساس‌گرایی و نگاه شخصی دارد، در حالی که ژورنالیزم بر دقت، بی‌طرفی و وفاداری به واقعیت تأکید می‌کند» (مک‌کی، ۱۳۶۸ ص: ۷۷)

این درست است، طوری که قبلاً هم گفتیم، شکل کار و عمل‌کرد هنرمند و ژورنالیست تفاوت‌های آشکاری دارد، اما نکته در این جاست، که هدف هر دو یکی است، و می‌دانیم که هدف مهم‌تر است. مثلاً دانستیم که هدف ژورنالیزم اطلاع‌رسانی و بیان حقایق از طریق وسایل ارتباط همگانی است. هدف هنر نیز همین است و می‌خواهد از طریق نقاشی، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه و داستان به بیان حقایق بپردازد و در موارد مختلف اطلاع‌رسانی کند. یکی از نویسندگان و مدرسان فیلم‌نامه نویسی آمریکا در مورد چنین می‌نگارد: «ما می‌توانیم از رمان‌ها و نقاشی‌ها انواع و اقسام اطلاعات را به‌دست آوریم» (گراهام، ۱۳۸۳، ص ۸۹) لذا واضح می‌شود که گرچه نحوه کار هنر و ژورنالیزم از هم فرق دارد، اما اهداف‌شان بسیار نزدیک و مشابه است. مثال دیگری می‌آوریم، هدف هنر و هنرمند ایجاد هم‌بستگی و اتحاد و یک‌پارچه‌گی میان مردم است، هدف ژورنالیسم و خبرنگار نیز همین است. «رسانه‌ها عامل پیوند افراد با یکدیگر هستند و به آن‌ها هویت جمعی می‌بخشد. این کارکرد می‌تواند باعث تقویت عادات و آداب و رسوم اجتماعی و ارزش‌ها و حفظ اتفاق آرای جامعه و ثبات اجتماعی شود» (کاظمی، ۱۴۰۰، ص ۴۴).

تعدادی دیگری را عقیده بر این است، که این تفاوت بنیادین باعث می‌شود برخی منتقدان ادغام عناصر هنری در ژورنالیزم را تهدیدی برای اعتبار و انکارپذیری خبر بدانند. اما از نظر من، نه تنها خطری برای اعتبار و انکارپذیری خبر نیست، بلکه کمک‌کننده‌ی آن نیز می‌باشد. به دلیل این‌که، هنر به اصل خبر صدمه‌ی وارد نمی‌سازد، واقعه را واژگون نشان نمی‌دهد، بلکه آن را با خاصیت منحصر به خودش بازگو می‌کند و در آن احساس و عاطفه‌ی هنرمند متجلی می‌شود. به گونه‌ی مثال، اگر حادثه‌ی رخ داده باشد که باعث تلفات انسانی شده باشد، خبرنگار آن را بدون کم‌وکاست اطلاع‌رسانی می‌کند. ولی هنرمند می‌تواند برای برانگیختن احساسات عاطفی و انسانی مخاطبانش آن حادثه را غم‌انگیزتر، خطرناک‌تر و بزرگ‌تر جلوه دهد، تا زودتر توجه مسئولین امور را در مورد جلب نماید. به عبارت دیگر، می‌خواهد عاملان حادثه زودتر به جزای اعمال‌شان برسند. در حالی که در اصل قضیه تفاوتی را

رونما نمی‌سازد و آن را هرگز تحریف نمی‌کند. از سوی دیگر، طرف‌داران این روی‌کرد استدلال می‌کنند، که ژورنالیسم فاقد زبان هنری، ممکن است قدرت تأثیرگذاری خود را از دست بدهد و نتواند مخاطب را که در معرض حجم عظیمی از اطلاعات قرار دارد درگیر کند. علاوه بر این، مرز میان بازنمایی هنری و دست‌کاری حقیقت در آثار ژورنالیستی هنرمندانه اغلب مبهم می‌شود، مسئله‌ای که پرسش‌های اخلاقی جدی، در باره‌ی مسؤولیت خبرنگار در قبال واقعیت ایجاد می‌کند، همین تضادها نشان می‌دهد، که رابطه‌ی هنر و ژورنالیسم، نه یک اتحاد کامل و نه یک تعارض مطلق است، بلکه میدانی پر از کشمکش است که نیازمند بازاندیشی، تعریف معیارهای روشن و حفظ تعادل میان خلاقیت و حقیقت‌پرستی می‌باشد.

به همین ترتیب می‌شود گفت، با وجود آن‌که ترکیب‌کردن زبان هنری با شیوه‌های ژورنالیستی می‌تواند با افزایش جذابیت و عمق ارتباطی محتوا کمک کند، این هم‌پوشانی با پرسش‌ها و نگرانی‌های جدی روبه‌رو است. مهم‌ترین چالش، تنش میان «خلاقیت هنری» و «تعهد ژورنالیستی به واقعیت» است. طوری که گفتیم، هنر اغلب بر تأویل، احساس محوری و بازنمایی ذهنی واقعیت استوار است، در حالی که ژورنالیسم بردقت، بی‌طرفی و بازتاب نسبتاً عینی روی‌دادها تأکید دارد. این تفاوت باعث می‌شود برخی از پژوهش‌گران، ادغام عناصر هنری در تولیدات خبری را عاملی برای تضعیف اتکاپذیری و اعتبار رسانه‌ها بدانند. در مقابل، گروه دیگر بر این باورند که بهره‌گیری از بیان هنری می‌تواند توان روایت‌گری ژورنالیسم را تقویت کرده و به انتقال عمیق‌تر تجربه‌ها و مسایل اجتماعی کمک نماید. یک‌تن از نویسندگان و مدرس فلسفه و زیباشناسی در مورد می‌نویسد: «آثار هنری به طریقه‌های مختلف فهم انسان را درگیر می‌کند، از جمله، فهم خالقان، اجراکننده‌گان یا مفسران هنر، و نیز فهم مخاطبان و منتقدان را». (گوتر، ۱۳۹۵ ص ۱۵۹) افزون بر این، مرز میان «بازآفرینی هنری» و «تحریف واقعیت» در آثار ژورنالیستی هنرمندانه همواره روشن نیست، و همین امر زمینه‌ساز مناقشات اخلاقی در باره‌ی مسؤولیت خبرنگار در برابر حقیقت می‌شود. بنابراین، مطالعه‌ی نظریات و دیدگاه‌ها چنان نشان می‌دهد، که رابطه‌ی هنر و ژورنالیسم حوزه‌ی مناقشه‌برانگیز و چندلایه است، که نیازمند تعریف معیارهای روشن، مراقبت اخلاقی و یافتن تعادل پایدار میان حقیقت‌گویی و خلاقیت است.

اما بازهم تأکید می‌کنم، این جانب منیث یک هنرمند، تضاد کلی میان فعالیت‌های هنری و ژورنالیستی نمی‌بینم، و باربار گفتیم که تنها شیوه‌ی کار متفاوت است، هنر طوری که تعدادی از افراد فکر می‌کنند عدم حقیقت‌گویی نیست، بلکه حقیقت را با شیوه‌ی متفاوت از یک خبرنگار یا ژورنالیست و یا تاریخ‌نویس بیان می‌کند. چنانچه پابلو پیکاسو هنر را چنین تعریف نموده است: «هنر دروغی است،

که ما را به حقیقت آگاه می‌کند» (فیلد، ۱۳۶۳، ص ۶۶) و نظر به این تعریف، بازهم دیده می‌شود، همان‌گونه که ژورنالیزم تأکید بر حقیقت‌گرایی دارد، هنر نیز خواهان همان چیز است، اما فقط پرداخت کارشان از هم متفاوت است. لذا از تحقیق موجود برداشت کلی و اساسی چنین است، که هنر و ژورنالیزم دارای اهداف مشترک هستند و می‌توانند هم‌دیگر را در راستای بیان حقایق و اطلاع‌رسانی کمک نمایند و با آگاهی هنرمندان از ارتباط کارشان با ژورنالیزم، زمینه‌ی شکل‌گیری نوعی تعامل دوسویه و سازنده میان هنرمند و نهاد رسانه را فراهم می‌آورد، تعاملی که در آن ژورنالیزم نه صرفاً به عنوان گزارش‌گر، بلکه به مثابه‌ی شریک فرهنگی و پشتیبان فرآیند آفرینش هنری تلقی می‌شود و چنین روی‌کردی می‌تواند به توسعه‌ی گفتمان‌های فرهنگی مستقل، تقویت نقد هنری و ترویج ارزش‌های زیباشناختی در جامعه یاری رساند. در نهایت، واقف‌بودن هنرمندان از نسبت کارشان با ژورنالیزم، آنان را قادر می‌سازد تا در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی حضور فعال و اثربخش داشته باشند.

نتیجه‌گیری

از مطالعات کُتب و مقالات مختلف و از نظریات پژوهش‌گران، و نیز از تجارب و فعالیت‌های چندین دهه‌ی خودم در رسانه‌های صوتی و تصویری ملی و بین‌المللی، به این نتیجه رسیدم، که هنر با ژورنالیزم ارتباط قوی داشته و هردو برای بیان واقعیت‌ها و رساندن اطلاعات دقیق در موارد مختلف برای مردم کار و فعالیت دارند و هنر نقش مهمی در شکل‌گیری، توسعه و تأثیرگذاری ژورنالیزم ایفا می‌کند. تنها روش و شیوه‌ی کارشان از هم متفاوت است، و لذا برای هنرمندان ضرور است تا از چه‌گونه‌گی ارتباط‌شان با ژورنالیزم آگاه باشند و وجوه افتراق و اشتراک کارشان را با ژورنالیزم بدانند. داشتن رابطه‌ی آگاهانه با ژورنالیزم، این امکان را به هنرمند می‌دهد تا پیام و فلسفه‌ی آثارش را به درستی منتقل سازد. بسیاری از برداشت‌های سوء یا نادیده گرفته‌شدن آثار هنری، از نبود ارتباط مؤثر با رسانه‌ها ناشی می‌شود. هنرمندی که می‌داند چه‌گونه با خبرنگاران، منتقدان و رسانه‌ها تعامل نماید، می‌تواند روایت خود را هدایت کرده و از تحریف و یا سطحی‌نگری در بازتاب کارش جلوگیری نماید، و این موضوع در جریان فعالیت‌های هنری خودم، از طریق رسانه‌های مختلف ملی و بین‌المللی ثابت شده است. یعنی، اگر من با رسانه‌ها ارتباط، شناخت و همکاری نمی‌داشتم و فعالیت‌های هنری من از طریق رسانه‌های تصویری در داخل و خارج از کشور، بازتاب گسترده نمی‌داشت و با تشویق، نقد، تحلیل و راه‌نمایی مخاطبان و بیننده‌گان مواجه نمی‌شدم، واضح است که هنر و فعالیت‌های هنری من در حد محدودی باقی می‌ماند و دست‌آورد هنری کمتر با محتوای ضعیف‌تری می‌داشتم.

برقراری ارتباط میان هنرمندان و رسانه‌ها، زمینه‌ی شکل‌گیری نوعی تعامل دوسویه و سازنده میان هنرمند و نهاد رسانه را فراهم می‌آورد، تعاملی که در آن، ژورنالیسم نه صرفاً به عنوان گزارش‌گر، بلکه به مثابه‌ی شریک فرهنگی و پشتیبان فرآیند آفرینش هنری تلقی می‌شود و چنین روی‌کردی می‌تواند به توسعه‌ی گفتمان‌های فرهنگی مستقل، تقویت نقد هنری و ترویج ارزش‌های زیباشناختی در جامعه یاری رساند. در نهایت، از نظر من واقف بودن هنرمندان از نسبت کارشان با ژورنالیسم، آنان را قادر می‌سازد تا در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی حضور فعال‌تر و اثربخش‌تر داشته باشند. هنرمندان می‌توانند با شناخت و همکاری نزدیک با ژورنالیسم و رسانه‌ها، هنرشان را از مکان و جغرافیای محدود به مکان و جغرافیای نامحدود بکشانند و در نتیجه‌ی تماس با مخاطبان بیش‌تر و کسب نظریات، دیدگاه‌ها و پیش‌نهادهای آنان، هنرشان را اثرگذارتر نموده و رشد و ترقی بیش‌تر دهند.

منابع

- ادگار، ا. (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی* (م. مهاجر، مترجم). تهران: آگاه.
- ادگار، س. (۱۳۸۷). *مفاهیم فرهنگ*. تهران: پروانه / صنوبر.
- اران، گ. (۱۳۹۵). *فرهنگ زیباشناسی* (م. ر. ابوالقاسمی، مترجم). تهران: صنوبر.
- استوری، ج. (بی تا). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه* (ح. پاینده، مترجم). تهران: آگاه.
- برنر، آ. (۱۳۹۵). *نگارش متن تلویزیونی* (م. مدنی، مترجم). تهران: تابان خرد.
- تولستوی، ل. (۱۳۹۱). *هنر چیست* (ک. دهگان، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- حیدری، ذ. ا. (۱۳۹۷). *ژورنالیزم*. کابل: مطبعه سید حبیب الله.
- دیوید، آ. (۱۳۷۲). *ژورنالیزم و ارتباطات*. پشاور: خسروی.
- رسولی، چ. (۱۳۸۸). *رسانه در حرکت*. تهران: سروش.
- راجری، پ. (۱۳۹۴). *تاریخ رسانه از گیلگمش تا گوگل* (ب. تورانی، مترجم). تهران: روزنامه ایران.
- شهزادی، ع. (۱۳۶۵). *ادبیات و اجتماع*. تهران: خوشه چین.
- قاسمی، ن. ا. (۱۳۹۳). *از دیپلماسی تا فلسفه هنر*. کابل: میوند.
- قیومی، م. د. (۱۳۹۰). *فصل نامه مطالعات استراتژیک*. کابل: مرکز مطالعات استراتژیک.
- کاظمی، ح. (۱۴۰۰). *رسانه شناسی*. تهران: ساکو.
- کمالی، ر. (۱۳۷۵). *رسانه های جمعی*. تهران: مهرانی.
- محمدزاده، م. ج. (۱۳۹۱). *رسانه شناخت*. تهران: آگاه.
- نوبل، و. (۱۳۹۲). *راهنمای نگارش گفت وگو*. تهران: سروش.
- هاشمی، ف. ش. (۱۳۹۹). *مبانی ژورنالیزم*. کابل: مطبعه پوهنتون کابل.
- فیلد، س. (۱۳۶۳). *چگونه فیلم نامه بنویسیم* (م. مدنی، مترجم). تهران: عکس معاصر.
- گراهام، گ. (۱۳۸۳). *فلسفه هنرها*. تهران: ققنوس.